

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۵۹

جمعه ۲۲ بهمن ۱۴۰۰ - ۱۱ فوریه ۲۰۲۲

### برجام: کشاکش، نمایش و دیگر هیچ

کاظم نیکخواه

مذاکرات برجام به مراحل حساسی رسیده و طرفین هرکدام در مورد رسیدن به توافق چیزی می گویند. سخنگوی کاخ سفید آمریکا اخیراً گفت "توافقی که نگرانی‌های اصلی همه طرف‌ها را برطرف کند در چشم‌انداز قرار گرفته است، اما اگر در هفته‌های آینده به آن نرسیم، پیشرفت‌های هسته‌ای ادامه‌دار ایران، بازگشت ما به برجام را غیرممکن می‌کند." سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس اسلامی نیز می‌گوید "شرایط برای یک توافق برد-برد آماده است." اما گلایه میکند که "حق ما بود که تمام تحریمها برداشته شود لیک حریف حذف بخشی از آنها را پذیرفته است." دولت آمریکا تلاش دارد که مذاکره مستقیم را به جمهوری اسلامی تحمیل کند و این حکومت را با وعده برداشتن تحریمها و فشارهای همزمان ناچار به عقب کشیدن از پیشرفتهای تکنیکی غنی سازی در یکی دو ساله اخیر نمایند که فرصت تولید بمب اتمی برای حکومت را طولانی تر نماید. به نوشته وال استریت ژورنال توافقی که در آن بازه زمانی ساخت بمب اتمی کاهش یافته باشد باعث تردیدهای جدید در مورد توانایی دولت بایدن در دستیابی به "یک توافق طولانی‌تر و موثرتر" خواهد شد که دولت معتقد است مسیر ایران در دستیابی

به سلاح اتمی را محدودتر کرده و به این ترتیب، به دولت امکان می‌دهد حمایت سیاسی متحدان اروپایی ایالات متحده و همچنین سیاستمداران داخلی را به دست آورد.

بعید نیست که در هفته‌های آتی اولین معاهدات امضا شود و توافقاتی صورت گیرد، زیرا دو طرف به یک پیشرفت در مذاکرات و توافقات نیاز دارند. جمهوری اسلامی در ورطه فروپاشی اقتصادی، به رفع فوری و همه جانبه تحریمها نیاز دارد و دولت بایدن و متحدانش وجهه جهانی خویش را در گرو پا پس کشیدن کامل حکومت اسلامی از غنی سازی های جدید بعد از لغو برجام می بینند. و مدتهاست که در مورد این پیش شرط ها و اختلافات دارند با هم کلنجار میروند.

برخی اختلافات دیگر نیز بر سر راه امضای توافقات وجود دارد که آنها هم مهمند. از جمله میتوان به روند برداشته شدن تحریمهای اتمی اشاره کرد که دولتهای غربی بر ۴۸ ساعت اصرار دارند و جمهوری اسلامی فرصت طولانی تری را میخواهد که به قول خامنه ای "راستی آزمایی" شود. یعنی اول کنترل کنند که آیا تحریمها عملاً کنار رفته یا نه و بعد دست به توقف غنی سازی و تعطیل مراکز هسته ای و غیره بزنند. یعنی جمهوری ادامه در صفحه ۲



@hadiheidari

زنده باد یاد  
مونا (غزل) حیدری

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-Communist Party of Iran

### در این شماره انترناسیونال:

شماره صفحه:

- ۱ و ۲ برجام: کشاکش، نمایش و دیگر هیچ. کاظم نیکخواه
- ۳ تا ۶ بسوی جنبش عمومی سراسری. مصاحبه کانال جدید با حمید تقوائی
- ۷ از منصور حکمت در مورد انقلاب ۵۷
- ۸ در دفاع از انقلاب. حسن صالحی
- ۹ بحران و بن بست همه جانبه حاکمیت در عراق. عبدال گلپریان
- ۱۰ در حاشیه سلاخی مونا (غزل) حیدری. سیاوش مدرسی
- ۱۱ و ۱۲ دادگاه مردمی آبان یک دستاورد مهم جنبش دادخواهی. شیوا محبوبی
- ۱۳ تقدیر به مونا حیدری و زنان دیگری که قتل ناموسی شدند. اصغر کریمی
- ۱۴ و ۱۵ از مدیای اجتماعی حزب
- ۱۶ تا ۱۹ اطلاعیه های حزب

ضمیمه انترناسیونال ۹۵۸ بزودی منتشر خواهد شد

انقلاب ۵۷ و انقلاب آتی ایران - حمید تقوائی

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی



کازم نیکخواه

اسلامی حتی بعد از امضای برجام نیز میخواهد چند ماه به بهانه راستی آزمایی برای خودش فرصت بخرد. یک نکته دیگر هم اختلاف بر سر اینست که کدام تحریمها مربوط به مساله هسته ای است که باید کنار برود و کدام مربوط به تروریسم جمهوری اسلامی و پولشویی و قاچاق و امثال اینهاست که به این مذاکرات مربوط نمی باشد و باید جداگانه حکومت اسلامی نشان دهد که دست از این سیاستهایش برداشته است تا بتواند به رفع تحریمها دست یابد. برای نمونه اکثر سران سپاه پاسداران و برخی مهره های بالای حکومتی به دلیل دست داشتن در تروریسم و قاچاق و پولشویی در سطح بین المللی تحت تعقیب و یا تحت تحریم هستند.

شکست محتوم

اما برجام بدور از همه جنجالها، چه ثقل سیاسی ای در صحنه بین المللی دارد؟ بطور واقعی یک سری عوامل سیاسی پایدارتر، کل پروژه برجام را حتی در صورت توافق رسمی، به پروژه ای پادروها و محکوم به شکست تبدیل میکند. و آن بن بست اساسی رابطه جمهوری اسلامی با غرب و بویژه با آمریکا است. سیاست ضد آمریکائی گری حکومت اسلامی و کوبیدن بر طبل نابودی اسرائیل و امثال اینها مانع راه یافتن این حکومت به عرصه بین المللی و بازار و مناسبات غرب شده است. تناقض حکومت اسلامی اینجاست که این حکومت برای سرپا ماندن و احیای اقتصاد ورشکسته اش عمیقا به ورود به عرصه بین المللی و مرادوات با غرب نیاز دارد.

” فروپاشی اقتصادی کل حکومت را هم با خود دارد به سمت تلاشی میبرد. برجام و دستیابی بیشتر به بازار غرب میتواند بقول متخصصین اقتصادی در ایران، چند صباحی به کمک اقتصاد داغان این کشور بیاید و روند فروپاشی را ” دو سه سال به تاخیر بیندازد“. اما برای جمهوری اسلامی امکان دست کشیدن از ایدئولوژی ضد آمریکائی گری و بسیج اوباش و عربده کشی علیه ”شیطان بزرگ“ وجود ندارد. دست شستن از این ایدئولوژی برای حکومت به معنای خودکشی است. زیرا صفوفش را در داخل و در خارج با تلاشی روبرو میکند. چسب نگهداری نیروهای ارتجاعی جنبش اسلامی در داخل ایران و در منطقه اساسا جهت گیری و سیاست ضد آمریکائی گری حکومت اسلامی است. در نتیجه در عین حال که جمهوری اسلامی بارها با هیئت های آمریکائی مخفیانه بطور مستقیم مذاکره کرده است، و حتی خبرهایی حاکی از مذاکرات با اسرائیلی ها هم منتشر شده است، اما حاضر به مذاکره مستقیم با آنها نیست. همین معضلات و مشکلاتی امثال اینها، گیروگرفت های زیادی را در ادامه کاری برجام و توافقات آن نیز ایجاد میکند و برجام را قبل از تولد دوباره، شکننده و محکوم به شکست مینماید.

شکستنده و محکوم به شکست مینماید. این را در آستانه توافقات دور اول برجام و در میانه رسانه ها و نیروهای مختلف در مورد آشتی جمهوری اسلامی با غرب و تحول اساسی به نفع حکومت و این نوع تبلیغات، تاکید کردیم و جا دارد بار دیگر یادآوری کنیم که بحران بین المللی جمهوری اسلامی با برجام یا بدون برجام قابل حل نیست. این بحران و بحران اقتصادی عمیقی که دامن زده است، فشار کمزشکنی را بر دوش مردم جامعه قرار داده و هر روز اعتراضات گسترده تری را دامن مینزد.

## انقلاب ۵۷، انقلابی برای آزادی و برابری بود!

این نوشته بر مبنای مصاحبه با کانال جدید تدوین شده است



**خلیل کیوان:** چهار جنبش سراسری فضای جامعه ایران را بشدت تحت تاثیر قرار داده است، جنبشهای دادخواهی، بازنشستگان، معلمان و همینطور آزادی زندانیان سیاسی. مختصات و موقعیت و توان هر یک از این جنبشها چه هست، جنبشهای دیگر مثل جنبش کارگری و جنبش زنان و جنبش ضد مذهبی در چه وضعیتی هستند. این جنبشها را چطور میشود به هم پیوند داد و هماهنگ کرد، چه موانعی بر سر اتحاد این جنبشها و سازماندهی یک جنبش عمومی سراسری در ایران وجود دارد؟ این پرسشها را با حمید تقوایی در میان میگذاریم.

حمید تقوایی، مبارزات سراسری در ایران یک واقعیت روزمره و قابل مشاهده است. حتی در اجلاس امنیتی سری ای که اخیرا سران جمهوری اسلامی داشتند و اسنادش فاش شد سران حکومت از قریب الوقوع بودن انفجار اجتماعی صحبت میکنند، از اعتراضات زیرپوستی جامعه صحبت میکنند و منتظر هستند که این اعتراضات در جامعه سراسری و فراگیر بشود. شما دورنمای این اعتراضات را چطور ارزیابی میکنید؟

**حمید تقوایی:** اعتراضات و مبارزات در همه عرصههایی که شما به آنها اشاره کردید و فراتر از آن در بخشهای مختلفی با شعارها و اهداف برحق و آزادی خواهانه مدتهاست در جریان است. در شرایط سیاسی ایران این یک واقعیت جاری و هر روزه است. حتی از مدتها قبل از خیزش ۹۶ اعتصابات کارگری و اعتراضات و مبارزات بخشهای مختلف جامعه در جریان بود. اما آنچه ویژگی این دوره است، سراسری بودن مبارزات و اعتصابات است. مبارزات جاری معلمان، بازنشستگان، جنبش دادخواهی، جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی، همه در شکل سراسری به پیش

گفت امروز سراسری بودن و سراسری شدن یک ویژگی تقریبا همه مبارزات و جنبشهای اعتراضی است. اهمیت این امر اینجاست که نشان میدهد بخش اعظم مردم بستوه آمده اند و متحدانه برای رسیدن به خواستههای برحق شان به میدان آمده اند. اینجا دیگر بحث بر سر عصیان یا شورش یا خیزشهای مقطعی نیست. تمام این جنبشهایی که اشاره کردم برای ماهها و برخی سالها ادامه داشته است. مثلا مبارزه کارگران هفت تپه که نزدیک به یک دهه است ادامه

دارد و همینطور مبارزه معلمان و یا مبارزات بازنشستگان که هر روز گسترده تر میشود. همین طور است مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و جنبش دادخواهی. این جنبشها بعد از ۹۸ اوج تازه ای گرفته است. جنبش دادخواهی که از دهه شصت شکل گرفت و مادران خاوران نیروی محوری آن بودند بعد از شلیک به هواپیما و کشتار آبانماه بخشهای وسیعتری از جامعه به آن پیوستند و امروز انجمن قربانیان شلیک به هواپیما و مادران آبان نیز در کنار مادران خاوران به حرکت گسترده ای شکل داده اند. جنبش آزادی زندانیان سیاسی نیز به دنبال قتل بکناش آبتین ابعاد گسترده تری پیدا کرده است. همین طور است جنبش سراسری معلمان و بازنشستگان. دو خصلت مهم را میشود در این جنبشها مشاهده کرد، یکی ادامه کاری و پیگیری این مبارزات و دوم سراسری بودنشان. این دو نقطه قوت مهم جنبشهای جاری است.

خلیل کیوان: چهار جنبش معلمان، بازنشستگان، دادخواهی و آزادی زندانیان سیاسی بسیار متعین و پر قدرت هستند که به جوانب آن اشاره کردید، علاوه بر این ما جنبش کارگری را داریم، جنبش آزادی زن را داریم،

در جنبش کارگری هم شاهد اعتصابات سراسری بوده ایم. در ماههای گذشته مبارزه کارگران نفت و کارگران پتروشیمی خصلتی سراسری پیدا کرد و تقریبا تمام مراکز نفتی در شهرهای مختلف را در بر گرفت. ازینرو میتوان

روستا به خیابانها آمدند و ما در همین برنامه پاسخ در هفته قبل درباره اش صحبت کردیم، همه اینها ابعادی سراسری دارند. اخیرا هم ۲۹ تشکل بازنشستگان فراخوان تجمعات سراسری داده اند.

میروند. جنبش دادخواهی که ابعادش به خارج از کشور هم کشیده شده است، همینطور مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی که از اوین تا وین را به هم وصل کرده و هنوز ادامه دارد، معلمان هم میدانید که در بیش از سیصد شهر و

امروز سراسری بودن و سراسری شدن یک ویژگی تقریبا همه مبارزات و جنبشهای اعتراضی است. اهمیت این امر اینجاست که نشان میدهد بخش اعظم مردم بستوه آمده اند و متحدانه برای رسیدن به خواستههای برحق شان به میدان آمده اند. اینجا دیگر بحث بر سر عصیان یا شورش یا خیزشهای مقطعی نیست. تمام این جنبشهایی که اشاره کردم برای ماهها و برخی سالها ادامه داشته است. مثلا مبارزه کارگران هفت تپه که نزدیک به یک دهه است ادامه دارد و همینطور مبارزه معلمان و یا مبارزات بازنشستگان که هر روز گسترده تر میشود. همین طور است مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و جنبش دادخواهی. این جنبشها بعد از ۹۸ اوج تازه ای گرفته است.

ادامه از صفحه ۳

جنش کارگری شعارها، خواستها و چشم اندازی را مطرح میکند و جلو جامعه می گذارد که خط دهنده است. مردمی که علیه تبعیض، علیه فقر، علیه نابرابری، علیه "حقوقهای نجومی فلاکت عمومی" به میدان آمده اند الگو و الهام و جهت شان را از جنبش کارگری میگیرند. مهمترین شعاری که جنبش کارگری مطرح کرده و عملا دست به کارش شده اداره شورایی است که نه فقط به جنبش کارگری بلکه به کل جامعه مربوط میشود و این افق را در جلوی جامعه می گذارد که خود ما مردم باید سرنوشتان را در دست بگیریم و جامعه را اداره کنیم. هیچ قدرت مافوق جامعه و بالای سر خودمان را نمی خواهیم، باصطلاح آقا بالا سر نمیخواهیم. اداره شورائی علاوه بر اینکه شکل موثری در سازماندهی مبارزات به دست میدهد، رو به آینده نیز اعلام میکند که چطور مردم میتوانند در اداره امور خودشان دخیل بشوند و حکومت را خود در دست بگیرند.

جنبش خلاصی از مذهب و ضد مذهبی را داریم. جنبش کارگری طی سالهای گذشته چه در سطح محلی چه در سطح سراسری حرکتهای قدرتمندی داشت، شاهد گسترش جنبش شورایی را بودیم که هفت تپه آغازگر آن بود، زنان در خیابانها علیه حجاب مبارزه میکنند، اعتصابات صنایع نفت و پتروشیمی را داشتیم که سراسری بود، راه آهن و برق که سراسری بود، مجموع اینها چه دورنمایی را ترسیم میکند؟

**حمید تقوائی:** نکته اول این است که اعتراضات و اعتصابات کارگری نیز خصیصا سراسری یافته است. مشخصا اعتصاب کارگران نفت در ابعاد گسترده ای شکل سراسری به خود گرفت. میدانی صنعت نفت رشته خیلی حساس و حیاتی برای حکومت است و رژیم از همان آغاز به قدرت رسیدن تمام تلاش اش را بکار برده بود که صنعت نفت را کاملا کنترل کند و اجازه ندهد اعتراضی در این صنعت رخ بدهد. اعتصاب سراسری کارگران نفت تمام این تلاشها را نقش بر آب کرد. کارگران نفت با قدرت در یک سطح سراسری به میدان آمدند و الگوهای تازه و پیشروئی نظیر تشکیل مجمع عمومی و شورای سازماندهی اعتراضات به دست دادند.

ولی اهمیت جنبش کارگری از این فراتر است. بنظر من جنبش کارگری شعارها، خواستها و چشم اندازی را مطرح میکند و جلو جامعه می گذارد که خط دهنده است. مردمی که علیه تبعیض، علیه فقر، علیه نابرابری، علیه "حقوقهای نجومی فلاکت عمومی" به میدان آمده اند الگو و الهام و جهت شان را از جنبش کارگری میگیرند. مهمترین شعاری که جنبش کارگری مطرح کرده و عملا دست به کارش شده اداره شورایی است که نه فقط به جنبش کارگری بلکه به کل جامعه مربوط میشود و این افق را در جلوی جامعه می گذارد که خود ما مردم باید سرنوشتان را در دست بگیریم و جامعه را اداره کنیم. هیچ قدرت مافوق جامعه و بالای سر خودمان را نمی خواهیم، باصطلاح آقا بالا

## خود در دست بگیرند.

جنبش دادخواهی، جنبش زنان، جنبش علیه تبعیض جنسیتی، برآمد ضد مذهبی جامعه و غیره و غیره، اینها نشانه یک جو و فضای عمومی اعتراضی علیه کل جمهوری اسلامی است. اینها در واقع نبرهای مختلفی هستند که بالاخره در رودخانه خروشان انقلاب و حرکت مردم برای سرنوشتی جمهوری اسلامی سر بهم خواهند آورد و حکومت را بزیر خواهند کشید.

**خلیل کیوان:** از مختصات جنبشهای مختلف صحبت کردیم. حالا برویم سر نکته اصلی که تیتیر برنامه مان است.

ادامه در صفحه ۵

که پرچم علیه سیاستهای ضد زن و آپارتاید جنسی را نیز بلند کرده اند. در واقع شاهد یک تعرض ضد مذهبی از جانب زنانی هستیم که برای رفع تبعیض جنسیتی، برای حقوق انسانی خود در همه زمینه ها، برای جلوگیری از فاجعه قتلهای ناموسی - که آخرین نمونه آن قتل فجیع و تکانهنده مونا حیدری بود - مبارزه میکنند و با مذهب و حکومت مذهبی به عنوان عامل این بی حقوقی ها و تبعیضات و جنایات زن ستیزانه در افتاده اند.

پیشرویهای جنبش کارگری با پرچم اداره شورائی و تشکیل شوراها و مجامع عمومی در دل مبارزات، تعرض و کوبندگی

معلمان را داریم که رهبری مبارزات معلمان را در دست دارد. شورا به عنوان یک ارگان مبارزاتی موثر و کارادر پیشبرد مبارزات جاری. این الگو را هم جنبش کارگری در برابر جامعه می گذارد.

شما به جنبش علیه مذهب اشاره کردید. این جنبش هم تعرض تازه ای را شروع کرده و اوج تازه ای گرفته آنها با پیشکسوتی زنان. زنان در صف مقدم مبارزه علیه مذهب هم هستند، لگد کردن عمامه ها و برداشتن حجاب و چادرها در ملا عام و همچنین "نقل و نبات" نثار اسلام و مقدسات اسلامی کردن در متروها و در اتوبوسها و در مجامع عمومی را زنان جسوری انجام میدهند

سر نمیخواهیم. اداره شورائی علاوه بر اینکه شکل موثری در سازماندهی مبارزات به دست میدهد، رو به آینده نیز اعلام میکند که چطور مردم میتوانند در اداره امور خودشان دخیل بشوند و حکومت را خود در دست بگیرند.

دستاورد دیگر جنبش کارگری سازماندهی شورایی در دل مبارزات جاری است. هم کارگران نفت شورای سازماندهی اعتراضات را داشتند که آترا عملا رهبری میکرد و هم کارگران هفت تپه تشکیل شورایی برپا کردند و اعلام کردند پنج هزار کارگر هفت تپه عضو این شورا هستند. امروز ما شورای هماهنگی تشکلهای صنفی

ادامه از صفحه ۴

اولا مضمون، شعار و اهداف جنبشهای جاری فی الحال تا حد زیادی هم جهت و حتی مشترک است و در ثانی لزوما شکلگیری اعتراض و اعتصاب عمومی در گرو یک شعار واحد نیست بلکه حرکت اعتراضی عمومی میتواند حول مجموعه ای از شعارها شکل بگیرد. جنبشهای اعتراضی مختلف وقتی هماهنگ شوند و در کنار هم قرار بگیرند مسلما به شعار واحد هم میرسند. نهایتا خواست توده مردم معترض و شعار استراتژیک همه این جنبشها سرنگونی جمهوری اسلامی است ولی برای کنار هم گرفتن این پیش شرط نیست که همه با شعار سرنگونی به میدان بیاییم. همین امروز میتوان با مجموعه ای از خواستههای جنبشهای مختلف و مثلا با پنج یا ده شعار کلیدی به میدان آمد. این کاملا ممکن است و باید در این جهت حرکت کرد.

چطور میشود این جنبشها را بهم پیوند داد، هماهنگ شان کرد به نحوی که شکل و شمایل یک جنبش عمومی به خود بگیرند. برای مثال مضمون شعارهایشان چه باید باشد، چه اهدافی را دنبال کنند، آیا باید اهداف واحد، شعارهای واحد و یک مضمون و خواست واحدی را در دستور بگذارند تا سراسری بشوند؟

**حمید تقوائی:** نظر من همین امروز هم شعارها و اهدافی که این جنبشهای مختلف مطرح میکنند بسیار به هم نزدیک است. مثلا مبارزه برای ارتقای سطح معیشت یک امر مهم و مشترک جنبش کارگری، جنبش معلمان، و جنبش بازنشستگان است. یا مبارزه علیه سیستم قضایی، علیه پرونده سازی های امنیتی، علیه سرکوب، علیه اعدام ها و غیره وجه مشترک همه این جنبشها است. بویژه جنبش آزادی زندانیان سیاسی و جنبش دادخواهی از این نظر وجه مشترک زیادی دارند. طبعاً هر جنبشی اهداف، اولویتها، و خواستههای ویژه خودش را نیز مطرح میکند. عمومی شدن این مبارزات لزوما بدین معنا نیست که همه یک شعار واحد و یا یک مطالبه واحد را مطرح کنند بلکه میشود حول لیست واحدی که در برگیرنده خواستههای همه بخشهای جامعه باشد هماهنگ شد.

مختلف هم می بینیم اساس اش سازماندهی از طریق مدیای اجتماعی است. همه فعالین جنبشهای جاری اساساً از این ابزار استفاده میکنند. این ابزار است که اجازه میدهد در خیابان هم کنار هم قرار بگیریم و به میدان بیاییم. کافی است که تشکلهای، نهادها، رهبران و چهره های فعال در هر یک از این جنبشها از طریق مدیای اجتماعی، از طریق پلتفرم های اینترنتی دور هم جمع بشوند و نیروهایشان را هماهنگ کنند و فراخوانها، شعارها و اهداف مشترکی را اعلام کنند. نظر من این نوع سازماندهی عمومی بر مبنای هماهنگی بین تشکلهای سازمانهای فعلاً موجود کاملاً

اعتراضات را تشکیل دادند و این شورا نقش مهمی در اعتصاب آنان داشت. همین امروز شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان دست اندر کار جنبش معلمان بازنشستگان هم همینطور، جنبش دادخواهی هم همینطور نهادهای مختلفی دارند. برای عمومی شدن مبارزه سازماندهی عمومی و سراسری لازم داریم و به این معنا که این ارگانها، نهادها و فعالینی که در هر یک از این جنبشها، فعال اند اینها با هم مرتبط بشوند، بتوانند تصمیمات واحد بگیرند و بتوانند بیانیه های واحد و فراخوانهای واحد بدهند. این مستلزم تشکل و سازماندهی واحد است. این سازماندهی همانطور که در بخشهای

ای از خواستههای جنبشهای مختلف و مثلا با پنج یا ده شعار کلیدی به میدان آمد. این کاملاً ممکن است و باید در این جهت حرکت کرد.

**خلیل کیوان:** از نظر سازماندهی چه، آیا باید فعالین و تشکلهای موجود فعالین و اکتیویستهای عرصه های مختلف در ظرف معینی دور هم جمع شوند و تصمیمات مشترک بگیرند؟

**حمید تقوائی:** بله سازماندهی یک حرکت عمومی مستلزم یک سازماندهی مشترک است. هر کدام از این جنبشها فی الحال سازماندهی خودشان را دارند. مثلا همانطور که اشاره کردم کارگران پیمانی صنعت نفت، شورای سازماندهی

بحتم را خلاصه کنم. اولاً مضمون، شعار و اهداف جنبشهای جاری فی الحال تا حد زیادی هم جهت و حتی مشترک است و در ثانی لزوما شکلگیری اعتراض و اعتصاب عمومی در گرو یک شعار واحد نیست بلکه حرکت اعتراضی عمومی میتواند حول مجموعه ای از شعارها شکل بگیرد. جنبشهای اعتراضی مختلف وقتی هماهنگ شوند و در کنار هم قرار بگیرند مسلماً به شعار واحد هم میرسند. نهایتاً خواست توده مردم معترض و شعار استراتژیک همه این جنبشها سرنگونی جمهوری اسلامی است ولی برای کنار هم گرفتن این پیش شرط نیست که همه با شعار سرنگونی به میدان بیاییم. همین امروز میتوان با مجموعه

مثلاً میتوان خواست جنبش معلمان مبنی بر رتبه بندی مشاغل را در کنار افزایش دستمزدها که جنبش کارگری پرچمش را بلند کرده است، مطرح کرد. و یا خواست آزادی معلمان زندانی و آزادی کارگران زندانی را به عنوان مصادیق مشخص آزادی همه زندانیان سیاسی در همه جنبشهای اعتراضی جاری مطرح و اعلام کرد. همچنین در شرایط حاضر که داریم به هشت مارس، روز جهانی زن نزدیک می شویم همه این جنبشها میتوانند با شعارهای مشترک علیه آپارتاید جنسیتی، علیه حجاب اجباری، علیه قتلهای ناموسی و دیگر خواستههایی که جنبش زنان مطرح میکنند، همصدا به میدان بیایند.

ادامه از صفحه ۵

ممکن و عملی است.

**خلیل کیوان:** اجازه بدهید یک قدم جلوتر برویم. در مورد مضمون، اهداف و شعارها همچنین سازماندهی جنبشها صحبت کردیم. در مورد اشکال اعتراضی نظراتان چیست؟ یک مبارزه عمومی چه اشکالی میتواند داشته باشد؟ تجمع، اعتصاب، تظاهرات و یا اشکال دیگر. فعالین چه نوع و شکل مشخصی از اعتراض را میتوانند در دستور بگذارند؟

**حمید تقوائی:** در چند ماه اخیر ما هم شاهد اعتصاب سراسری کارگران نفت بودیم و هم شاهد تجمعات سراسری معلمان و بازنشستگان. و در مواردی هم اعتصاب و تجمع اعتراضی هم زمان مانند نمونه هفت تپه و بعضی مراکز نفتی. در مورد بازنشستگان طبعاً اعتصاب معنایی ندارد و آنها تا کنون با تجمعات اعتراضی فریاد اعتراضشان را بلند کرده اند. معلمان نیز شکل اصلی مبارزه شان تجمعات و میتینگهای خیابانی در مراکز شهرها در یک سطح گسترده است. با توجه به این تجربیات میتوان گفت که در شرایط حاضر و در قدم اول شکل عملی و امکان پذیر مبارزه عمومی تجمعات خیابانی است. تجمع هماهنگ و همزمان در شهرهای مختلف.

اگر معلمان میتوانند در سیصد شهر و منطقه و روستا به میدان بیایند میشود

تصور کرد که اگر این جنبش با جنبش بازنشستگان با جنبش دادخواهی و با جنبش آزادی زندانیان سیاسی همراه بشود قادر خواهد بود بسیار از سیصد شهر فراتر برود. حتی میتواند ابعاد گسترده ای در خارج کشور پیدا کند. در شرایط حاضر جنبش دادخواهی در خارج کشور خیلی فعال است از طریق دادگاهی مثل ایران تریبونال، دادگاه حمید نوری و فعالیتهای انجمن خانواده های جانباختگان پرواز ۷۵۲. جنبش آزادی زندانیان سیاسی نیز از اوین تا وین گسترده شده است. اگر این جنبشها در هماهنگی با جنبش معلمان و بازنشستگان فراخوان مشترکی نظیر تجمعات اعتراضی بدهند مطمئن باشید که در خارج کشور هم منعکس میشود و در خود ایران هم از صدها شهر فراتر خواهد رفت. این میتواند اولین قدم باشد و در ادامه خود به تظاهرات و اعتصابات عمومی منجر بشود.

**خلیل کیوان:** احزاب سیاسی در این میان چه نقشی دارند، بطور مشخص حزب کمونیست کارگری ایران چه سیاستی را برای پیوند دادن این اعتراضات، متحد کردن و ایجاد یک جنبش عمومی سراسری در دستور دارد؟

**حمید تقوائی:** من طبعاً از جانب حزب کمونیست کارگری صحبت میکنم امیدوارم

احزاب دیگر هم همین حد معطوف به این جنبشها باشند و فعال شوند. تا جایی که به حزب کمونیست کارگری مربوط میشود ما مدتهاست که بروی مبارزات سراسری و مشخصاً اعتصاب سراسری و اعتصاب عمومی تاکید داریم و خوشبختانه جامعه به این سو حرکت کرده است. تا آنجایی که به سراسری بودن مبارزات مربوط میشود این امر همانطور که توضیح دادم تا حد زیادی متحقق شده است. در این شرایط احزابی که هدفشان هموار کردن راه انقلاب و سرنگون کردن جمهوری اسلامی به قدرت انقلاب است موظفند در جهت عمومی کردن این مبارزات سراسری فعالیت کنند و راه نشان دهند که چگونه میتوان به این هدف رسید.

عرصه دیگری که حزب ما در آن فعال بوده تعمیق و رادیکالیزه کردن شعارها و خواستها و اهداف جنبشهای اعتراضی است. در هر یک از این جنبشها گرایشهای مختلفی وجود دارد، گرایشهای نوع دوحردادی، گرایشهای راست، و تا آنجایی که به مناطقی مثل کردستان برمیگردد ناسیونالیسم قومی و غیره. اینها هم فعال هستند و نقش مخربی ایفا میکنند. یک وظیفه ای که ما مقابل خودمان گذاشته ایم این است که با این گرایشهای منفی و بازدارنده فعالانه مقابله کنیم. اصل ما اینست که در هر

جنبش حق طلبانه، هر جنبش ضد تبعیض، هر جنبشی که خواست برحقی را مطرح میکند و توده مثلاً معلم و کارگر یا زنان و دادخواهان و بخشهای معترض جامعه را به میدان میکشاند. حزب ما هم باید فعالانه شرکت و دخالت کند و با طرح شعارها و سیاستها رادیکال و فراگیر و اشکال مبارزاتی موثر و همچنین نقد نظری و سیاسی گرایشهای راست اجازه ندهیم که این گرایشها سازشکارانه جنبش را منحرف کنند یا به عقب بکشند و به آن ضربه بزنند. در جنبش کارگران نفت این تقابل را دیدیم. شورای سازماندهی اعتراضات همانطور که اشاره کردم یک وظیفه اش این بود که در برابر جریان سازشکار خط رادیکال و پیگیری را مطرح کند که خوشبختانه این خط بالاخره بخصوص در میان کارگران پیمانی دست بالا پیدا کرد. در جنبش معلمان هم همین نقش را ایفا میکنیم و در جنبش زنان هم همینطور، در جنبش علیه اعدام هم همینطور.

بطور خلاصه ما بر این نکات تاکید داریم. اول دخالت فعال حزب در هر اعتراضی که علیه بی حقوقی است، علیه فقر است، علیه تبعیض است. دوم طرح اهداف و شعارهای رادیکال و فراگیر و پیشبرد یک سیاست رادیکال و پیگیر بمنظور تعمیق و رادیکالیزه و شفاف کردن جنبشهای جاری، و بالاخره مقابله با

گرایشهای سازشکارانه ای که می خواهند این جنبشها را در چهارچوب مطالبات صنفی محدود کنند، یا به عقب بکشند و منحرف کنند. از نظر عملی هم باید شیوه های مبارزاتی که در هر مقطع معین بخش هرچه وسیعتری از مردم معترض را فعال میکند و به میدان میکشاند در دستور گذاشت.

حزب ما از این خط و متد پیروی کرده است. این تجربه تا کنونی ما است که موفق هم بوده و نتایج مثبت و دستاوردهای محسوسی داشته است. اگر امروز مبارزات سراسری را می بینیم که با شعارهای رادیکال با خواستههایی نظیر تحصیل رایگان، آموزش رایگان، با شعارهایی علیه تبعیض، و با تشکیل مجامع عمومی و شوراهای اعتراضات پا به میدان گذاشته است، این دستاوردها در جهت راستای سیاست هائی است که حزب ما پیگیرانه دنبال کرده است. حزب ما این خط را ادامه خواهد داد و من فراخوانم به همه احزاب و نیروها و فعالینی که واقعا می خواهند جامعه آزاد شود و به برابری، رفاه و آزادی برسد، این است که همین خط را دنبال کنند.

۹ فوریه ۲۰۲۲

با تشکر از امیر توکلی برای پیاده کردن متن اولیه این مصاحبه.

ماهوره یاه ست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

ماهوره یوتلست

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۵/۶



پخش زنده آنلاین:


[newchannel.tv/live/tv](http://newchannel.tv/live/tv)

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

[www.newchannel.tv](http://www.newchannel.tv)  
[nctv.tamas@gmail.com](mailto:nctv.tamas@gmail.com)

## منصور حکمت در مورد انقلاب ۵۷



«... مردم حق داشتند رژیم سلطنت و تبعیض و نابرابری و سرکوب و تعصبات را که شالوده آنگ را تشکیل میداد نفی و بیهوده بکنند. مردم حق داشتند که آنگ را سرنگ کنند، شاه را بکنند، سواک بکنند، شکنجه و شکنجه گاه بکنند. مردم حق داشتند در برابر ارتش که با لولین جلوه ها را اعتراض کشتار آنگ کرد دست به اسلحه ببرند. انقلاب ۵۷ حرکتی برابر آنگ را در عدالت و حرمت انسان بود. جنبش اسلام و دولت اسلام نه فقط محصول این انقلاب نبود، بلکه سلاص بود که آنگاهانه برابر سرکوب این انقلاب، هنگامی که ناتوانی و زوال رژیم شاه دیگر مسجل شده بود، به میدان آورده شد. برخلاف نظرات رایج، جمهوری اسلام وجود خود را در درجه اول در پیون شبکه مساجد و خیابانها و نه در پیون نهادها و نه در پیون قدرت مذهب در میان مردم نبود، قدرت تسبیح، بیعلاقگی مردم به مدرنیسم و انزجار آنگ از فرهنگ غربی، سرعت بیشتر از حد شهرنشینی و کمبود «تمرین دموکراسی»، و غیره نبود. این فضیلتها ممکن است بدر کاریر شغل «شرق شناس» نیم بند و مفسرین رسانه ها بگذرد، اما سرسوزن به حقیقت ربط ندارد. جریان اسلام را همان نیروها بر به جلو رهنه انقلاب ۵۷ کشیدند که تا دیروز زیر بغل رژیم شاه را گرفته بودند و سواک کثرت را تعلیم می دادند. آنگها که پتانسیل را در کالیزاسیون و دست چپ از آب در آنگ انقلاب ایران را می شناختند و از اعتصاب کارگران صنعت نفت در سر خود را گرفته بودند. آنگها که به یک کمربند سبز در کثرت و قوسها جنگ سرد نیاز داشتند. برابر «اسلام» شد انقلاب ایران پول خرج شد، طرح ریخته شد، جلسه گرفته شد. هزاران نفر، از دیپلماتها و مستشاران نظام غرب تا ژورنالیستها همیشه با شرف دنیا دموکراسیها عروج ریختند تا از یک سنت عقب مانده، حاشیه لاس، کینگ زده و به انزوا کشیده شده در تاریخ سیاسی ایران، یک «رهبر انقلاب» و یک آنگر ناتیو حکومتی برابر جامعه شهر سو تازه - صنعت ایران سال ۵۷ بسازند. آنگا رضیمنه از نجف و قم و در راسخیل ملاها رفر سوار دهات سر راه، بلکه از پاریس آمد و با پرواز انقلاب. انقلاب ۵۷ تجسم اعتراض اصیل مردم مصوم ایران بود، اما «انقلاب اسلام» و رژیم اسلام محصول جنگ سرد بود، محصول مدرن ترین معادله سیاسی جهان آنگ روز. معادله این رژیم، استراتژیستها و سیاست گذاران قدرتها غربی بودند. همانها که امروز از دروغ بجز لاس نسبی گرایی فرهنگی، هیولان مفلوق خود آنگ را به عنوان محصول طبیعت «جامعه شرق و اسلام» و در حضور مردم «جهان اسلام» یکبار دیگر مشروعیت میبخشند. کل امکانات اقتصاد و تبلیغات غرب برابر ماها قبل و بعد از بهمن ۵۷ برابر به کسر نشان این رژیم و سرپا نگاهداشتن آنگ بسبب شد...»

## در دفاع از انقلاب!



حسن صالحی

ای کاش همه ستمگران حاکم بر زبان خوش دست از سر مردم بر می داشتند و از قدرت کناره می گرفتند. ولی می دانیم که چنین اتفاقی هرگز نخواهد افتاد. در نتیجه تنها راهی که برای مردم کارگر و زحمتکش و ستمدیده باقی می ماند همان انقلاب است. انقلاب برای مردم تنهاراه خلاصی شدن از همه مصائبی است که حکومت‌های مدافع نظام سرمایه داری برایشان آفریده اند. انقلاب تنها راه برای رهایی از دست حاکمینی است که بودندشان هر روز باعث رنج و درد مردم و تلف شدن زندگی و هستی انسانهای بی شمار است. انقلاب از طریق در هم کوبیدن قدرت فائده ستمگر و در هم پیچیدن بساط زور و زر حاکمان رهایی مردم را میسر می کند و اداره امور جامعه به دست خود مردم را ممکن می سازد.

از همینجا روشن است که چه کسانی بیش از هر کس دیگری با انقلاب مردم مخالفند: اولین دشمنان انقلاب همان کسانی هستند که با توسل به زور و خشونت و استفاده از دستگاه سرکوب بر مسند قدرت نشسته اند و مردم را تحت ستم و استثمار قرار می دهند. اینها با چنگ و دندان و تا نفس آخر در مقابل انقلاب مردم می ایستند تا روزی که نیروی انقلاب آنها را از قدرت ساقط کند. جمهوری اسلامی از همان روز اول حیاتش در ضدیت با انقلاب ۵۷ شکل گرفت و حالا هم در مقابل انقلاب مردم سنگربندی کرده است تا بساط ستم و چپاول اش را حفاظت کند. اینها به مردم انقلابی می گویند "اراذل و اوباش" و یا "خس و خاشاک" و با گلوله قلب و مغز مردم معترض را نشانه می گیرند تا از این طریق به

حیات ننگین شان ادامه دهند.

گروه دیگری که با انقلاب دشمنی می ورزند همان کسانی هستند که با انقلاب ۵۷ به زیر کشیده شدند. سلطنت طلبان از این زمره هستند. چون انقلاب به تخت و تاج شاهی آنها پایان داد چنان از انقلاب بیزارند که به هر چیزی چنگ می اندازند تا انقلابی را که به سرنگونی آنها منجر شد تخطئه کنند. این جماعت البته ذاتا دشمن انقلاب هستند بطوری که وقتی در سال ۱۳۵۷ انقلاب شد از ترس گسترش و رادیکال شدن انقلاب حتی با خمینی ساخت و پاخت کردند و مقدمات انتقال بی دردسر قدرت از بالا را فراهم آوردند تا انقلاب را بخوابانند. اما آنقدر بی چشم و رو هستند که تقصیر روی کار آمدن رژیم اسلامی را به گردن چپها می اندازند که انقلاب علیه رژیم سلطنتی را حق مردم می دانستند و از انقلاب ۵۷ دفاع می کردند. البته این فقط بهانه است. چرا که این جماعت اصولاً ضد کمونیست هستند و همیشه دنبال عذر و بهانه ای می گردند که دشمنی شان با کمونیستها را نشان دهند.

جریان دیگری که مخالف انقلاب است گروهی در حاشیه حکومت است که مردم را از انقلاب می ترساند. یعنی تمام تلاششان این است که مردم از انقلاب کردن پرهیز کنند. این جماعت برای ترساندن ما از انقلاب مثلاً می گویند که اگر ما انقلاب کنیم "ایران مثل سوریه می شود" یعنی جنگ داخلی در می گیرد و امنیت از بین می رود و مردم به جان هم می افتند و اتفاقاتی از این قبیل. این گفتمانی است که خود حکومت و دوم خردادی ها دامن می زنند تا همین نظام مصیبت بار باقی بماند و جمهوری اسلامی به عمر منحوس اش ادامه دهد. در انقلاب علیه نظام جنایتبار اسلامی نه مردم به جان هم می افتند و نه امنیت از مردم سلب می شود. اتفاقاً برعکس، مردم همبسته تر می شوند تا رژیمی را که امنیت و آسایش و حق حیات را از شهروندان سلب کرده است به زیر بکشند. امنیتی که این جماعت از آن

حرف می زنند امنیت اقلیتی انگل و مفتخور است. در واقع از امنیت خودشان حرف می زنند که به قیمت خانه خرابی و کشتار مردم تأمین شده است. انقلاب به نفع امنیت مردم، به امنیت همین زالوصفتان پایان می دهد.

گروه دیگری هم هستند که تحت عنوان "انقلاب خشونت است" با آن مخالفت می ورزند این گروه نیز با خشونت نامیدن انقلاب و التزام به مبارزه تماماً مسالمت آمیز و در ضدیت با قیام و تعرض انقلابی به حکومت، آب در آسیاب جمهوری اسلامی می ریزد. عامل اصلی خشونت در جامعه بی برو برگرد خود جمهوری اسلامی است و انقلاب قطعی ترین روش پایان دادن به خشونت حکومت اسلامی در ایران است.

در میان کسانی که با انقلاب مخالف هستند افرادی هم پیدا می شوند که البته جرأت مخالفت علنی با انقلاب را ندارند ولی وقتی که می بینند دشمنان قسم خورده انقلاب به انقلاب حمله می کنند بر این موج ضد انقلابی سوار می شوند و به بهانه زدن چپها و کمونیستها از ما می خواهند که از مردم عذرخواهی کنیم که چرادر سال ۵۷ انقلاب کردیم!!! خانم مسیح علینژاد از این تیپ آدمهاست. ایشان نگاهان دچار فراموشی می شود که خودشان سالها با جناح اصلاح طلب حکومتی همراهی می کرده و با این کار خود به عمر ننگین این رژیم می افزوده است در حالی که بسیاری از کمونیستها از همان روز اول در مقابل جمهوری اسلامی ایستادند. به علاوه معلوم نیست که چرا آن زنانی که درست چند هفته بعد از انقلاب ۵۷ به برقراری حجاب اجباری شدیداً اعتراض کردند حالا باید بیایند و از امثال ایشان عذرخواهی کنند؟! یا اینکه کارگران و مردمی که پس از انقلاب برای تحقق خواستههایشان جانانه مبارزه کردند چرا حالا باید از ایشان معذرت بخواهند!؟

خانم علینژاد بخاطر مبارزه با حجاب مطرح شده است اما امروز علیه پیشکسوتان همین

مبارزه، که در اسفند ۵۷ اولین و بزرگترین تظاهرات علیه حجاب را سازمان دادند، به میدان آمده است. ایشان از نسلی انتظار معذرت خواهی دارد که از اسفند ۵۷ تا امروز در دفاع از حقوق زنان و علیه جمهوری اسلامی، از جمله در همان سالهای میداناری دو خردادی ها و همراهی امثال مسیح علی نژاد با استحاله چی های حکومتی، در میدان است. فعالین و رهبران جنبش گسترده بازنشستگان همان جوانان انقلاب ۵۷ هستند که فریاد اعتراضشان علیه جمهوری اسلامی هرگز خاموش نشده است. خانم علینژاد، این شما هستید که یک معذرت خواهی بزرگ به همه نسلهای مردم ایران از پیرو و جوان بدهکار هستید.

مسیح علینژاد متأسفانه پشت همان استدلالاتی سنگر می گیرد که راستهای دو آتشه علیه انقلاب سرهم کرده اند. فقط تفاوت اینجاست که سلطنت طلب ها از قدرت و ثروت افتاده اند و طبیعی است که با انقلاب دشمنی داشته باشند ولی خانم علینژاد چرا؟ ایشان می گویند "نه راست است و نه چپ". به عقیده من وی واقعا اینطور فکر می کند. اما مشکل مسیح علینژاد این است که وی علیرغم کمپین های خوبی که علیه جمهوری اسلامی داشته است در عرصه سیاست، راست روی می کند. ایشان به انقلاب نظر ندارد چرا که می داند رونق فعلی گفتمان انقلاب حاصل پیشروی چپ در جامعه و رنگ باختن روشهای غیر انقلابی نظیر "رژیم چنج" و "فراندوم" و غیره است. اعتبار اجتماعی مسیح علینژاد محصول قاطعیت او علیه جمهوری اسلامی در کمپین هایی نظیر مخالفت با حجاب اجباری است. البته ایشان مختار است که راست یا چپ و یا وسط را انتخاب کند ولی باید بداند که دشمنی با کمونیستها و مخالفت با انقلاب در فضای سرنگونی طلبی و انقلابی ای که گفتمانهای چپ در وسط صحنه جامعه است، برنده نخواهد داشت. و خیلی زود باعث ریزش اعتبار اجتماعی ایشان و حتی انزوا خواهد شد.

مبارزه، که در اسفند ۵۷ اولین و بزرگترین تظاهرات علیه حجاب را سازمان دادند، به میدان آمده است. ایشان از نسلی انتظار معذرت خواهی دارد که از اسفند ۵۷ تا امروز در دفاع از حقوق زنان و علیه جمهوری اسلامی، از جمله در همان سالهای میداناری دو خردادی ها و همراهی امثال مسیح علی نژاد با استحاله چی های حکومتی، در میدان است. فعالین و رهبران جنبش گسترده بازنشستگان همان جوانان انقلاب ۵۷ هستند که فریاد اعتراضشان علیه جمهوری اسلامی هرگز خاموش نشده است. خانم علینژاد، این شما هستید که یک معذرت خواهی بزرگ به همه نسلهای مردم ایران از پیرو و جوان بدهکار هستید.

۹ فوریه ۲۰۲۲



## بحران و بن بست همه جانبه حاکمیت در عراق



جمهوری اسلامی را ناتوان، درمانده و شکست خورده در تحولات عراق کرده است، به اوضاع و شرایط کنونی اعتراضات بخشهای مختلف در جامعه ایران علیه این هیولای زخم خورده ربط مستقیم دارد. جمهوری اسلامی از دو جبهه مورد تعرض است هم از داخل ایران از سوی جنبشهای اعتراضی که مدام می جوشند، هم از سوی مردم خشمگین و متنفر از این حکومت و احزاب و دستجات اسلامی حاکم بر عراق. استیصال و درماندگی، بن بست و بحران حکومتی در ایران و عراق نتیجه مبارزات مردم هر دو کشور است که در تلاش برای پایان دادن به چند دهه فقر، فلاکت، ناامنی و تباهی هستند.

۹ فوریه ۲۰۲۲

هایشان برای غارت و چاپیدن هستی مردم لم بدهند. جمهوری اسلامی که از اکتبر ۲۰۱۹ به بعد بشدت موقعیتش ضعیف شده و ضربات سختی متحمل شده است، اینبار نه با قلدر منشی های دوران قاسم سلیمانی و عریده های حشد الشعبی بلکه با خواهش و تمناهای نماینده اش قآنی سرگرم ریزنی برای جبران شکست هایش است اوضاع جمهوری اسلامی در عراق آنقدر وخیم است که برای میانجیگری بین احزاب پارلمانی به بن بست رسیده در عراق، دست به دامن حسن نصرالله سرکرده حزب الله لبنان برای میانجیگری و جبران شکست هایش شده است.

فاکتور مهم و اصلی که

از اینجا مایه می گیرد. احزاب متعدد پارلمانی در عراق به این می اندیشند که باید به گونه ای قدرت و صندلی ها را اشغال کنند که بار دیگر همچون اکتبر ۲۰۱۹ شیرازه دزدی، چپاول و فسادشان را به چالش نکشد.

جریان مقتدی صدر بیشترین کرسی های پارلمان را در اختیار دارد او در جریان خیزش اکتبر ۲۰۱۹ از دست تظاهرات کنندگان پا به فرار گذاشت و اکنون تلاش می کند به قول خود به گونه ای موقعیت ها و صندلی ها و افراد وزارتخانه ها را تقسیم کند که در فردای خیزش مجدد انقلاب مردم عراق علیه کل این بساط ویرانگر، نیرویی به عنوان اپوزیسیون موی دماغش نشود. می گوشت هم جمهوری اسلامی را قانع کند و هم دولت آمریکا را از خود دور نکند و همزمان دیگر کشورهای منطقه که منافی در عراق دارند را راضی نگه دارد. این تلاشها را می توان در نگرانی احزاب حاکم بر عراق از سربرآوردن خیزش مجدد مردم این کشور علیه کل ساختار حکومت دید.

بن بست و بحران موجود در ساختار کنونی حاکمیت در عراق باعث شده است که جریانات قومی و اسلامی و عشیره ای با هر ژست و فیگوری، با هر توافق و یا دعوی و با هر بده بستانی با دولتهای دخیل در اوضاع عراق و دیگر احزاب پارلمانی، قادر نباشند بسادگی بر کرسی

پارلمانی بدست آورده است، موقعیت خود را برتر از اتحادیه میهنی می بیند و می گوشت با این برتری، پست ریاست جمهوری را نیز از آن خود کند.

بحران و بن بست اخیر در حاکمیت عراق این روزها فعلا بر سر همین پست است. از آنجا که حزب دمکرات در ائتلاف صدر و سنی ها در پارلمان شرکت دارد، اگر انتخابات روز هفتم فوریه در پارلمان صورت می گرفت، کاندید حزب دمکرات می توانست این پست را از آن خود کند. اما چند روز قبل تر از آن سه عضو پارلمان عراق از اتحادیه میهنی شکایتی مبنی بر سابقه فساد در کارنامه هوشیار زیباری را به دادگاه عالی عراق دادند. همین مسئله سبب به تعویق افتادن انتخاب رئیس جمهور شد. طبق قانون تا تصمیم و حکم نهایی دادگاه، انتخابات انجام نخواهد شد. اگر دادگاه عالی حکم به عدم صلاحیت هوشیار

زیباری بدهد، حزب دمکرات می خواهد کاندید دیگری برای پست ریاست جمهوری معرفی کند. این تلاش اتحادیه میهنی برای متوقف ساختن پروسه انتخابات با طرح و کمک جمهوری اسلامی از یک سو و از سوی دیگر ریزنی های قآنی فرمانده سپاه قدس حکومت اسلامی که همچنان در عراق بسر می برد، با مقتدی صدر و مسعود بارزانی و دیگر بازیگران صحنه اوضاع سیاسی در عراق انجام شده است.

بحران و بن بست همه جانبه حاکمیت، تحولات مربوط به بازی قدرت در میان احزاب شیعه، سنی و کرد در عراق از دو زاویه قابل بررسی است.

این بن بست و بحران را مردم در اکتبر ۲۰۱۹ به کل حاکمیت در عراق و به جمهوری اسلامی تحمیل کرده اند. بند و بست احزاب و بن بست و بحران موجود چه در جریان انتخاب رئیس پارلمان و چه در مورد انتخاب رئیس جمهوری



عبدل گلپریان

بحران و بن بست همه جانبه حاکمیت در عراق به کلاف سردرگم در میان احزاب پارلمانی این کشور تبدیل شده است. بنا به توافق بین احزاب پارلمانی در عراق، روز هفتم فوریه برای انتخاب رئیس جمهور تعیین شد اما حتی دستورات توافق شده و فتوای شرعی برای انجام این انتخابات هم عملا زیر پا گذاشته شد و این پروژه کلا با شکست مواجه شد. دلایل چرایی آنرا پایین تر اشاره خواهیم کرد.

برهم صالح از اعضای رهبری اتحادیه میهنی ( طالبانی ) که رئیس جمهور فعلی است همچنان کاندید این حزب برای پست ریاست جمهوری است. هوشیار زیباری هم کاندید حزب دمکرات کردستان عراق ( بارزانی ) است. لازم به ذکر است که بعد از سرنگون شدن رژیم صدام حسین در سال ۲۰۰۳، این دو حزب در هماهنگی با دیگر احزاب پارلمان عراق، در توافقی نانوشته در تقسیم ثروت و قدرت بادآورده، در میان خود توافق کردند که پست رئیس جمهور به اتحادیه میهنی و صندلی رئیس حکومت اقلیم به حزب دمکرات تعلق بگیرد. طی نزدیک به دو دهه اخیر این پست همچنان در اختیار اتحادیه میهنی کردستان عراق قرار داشته است. در انتخابات پارلمانی عراق که اکتبر ۲۰۲۱ برگزار شد حزب دمکرات ۳۲ کرسی و اتحادیه میهنی ۱۸ کرسی را بدست آوردند. اکنون با توجه به اینکه حزب دمکرات حدود دو برابر اتحادیه میهنی کرسی

## انترناسیونال

### نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

## در حاشیه سلاخی مونا (غزل) حیدری



سیاوش مدرسی

در ۹ سالگی با تلاوتی چند از آیات قرآن کریم حجاب و طوق بردگی بر سرش کشیدند! در زیر باران نقل و نبات، تبریک و تهنیت چندش آور و تنبک و دایره، زن اعلامش کردند و قابل تجاوز! اخطار کردند که بداند دیگر کودک نیست!

زن و باکره است! ۱۲ سالگی به زور به تجاوزخانه شوهر فرستادندش، تجاوز کردند، کتکش زدند، حامله‌اش کردند و از گرده‌اش کار کشیدند. در ۱۷ سالگی به ترکیه گریخت اما در زیر سایه دولت مسلمان اردوغان از امنیت خبری نبود! پیدایش کردند، در آنجا به قتلش نرساندند! در مسیر راه هم کشته نشد! سجاد کف بر لب با رگهای متورم از غیرت با کمک اخوی، کشان کشان به خیابانهای اهواز و میدان "کسای" کشیدش و در ملا عام ذبحش کردند.

قاتل خنجری در دست و سر بدون بدن "غزل" بی‌پناه در دست دیگر، هلهله کنان چرخید تا اعلام شود که کیان اسلام در اهتزاز است و بشریت ببیند که سجاد در کشور آقا امام زمان و ناپیش سیدعلی خامنه‌ای زندگی میکند یک مسلمان ناموس پرست است! او سربلند و طبق قوانین رسمی مملکت از ناموسش دفاع کرده!

اینجا کشتن در ملا عام امری دولتی و قانونی است. کودک همسری چهل و اندی سال است که رسمیت دارد. این جا علنی بر چهره زنان اسید میپاشند. اینجا سنگسار میکنند. اینجا

کودکان را اعدام میکنند. زن و کودک احشام مرد محسوب میشوند. مونا حیدری (غزل) را که حتی در همین سن حتی حق شرکت در انتخابات و یا گرفتن گواهینامه رانندگی را هم ندارد همسر اعلام میکنند و بعد علناً ذبح میکنند! همه میدانیم که این اولین و آخرین قتل ناموسی در جامعه‌ای که در آن قتل ناموسی قانونی و آزاد است نبوده و نخواهد بود!

اما ذبح مونا (غزل) خصلت نما است! چرا دخترچه ۹ ساله رازن اعلام میکنند؟ چرا در ۱۲ سالگی به زور و رسماً و قانون به تجاوزخانه‌ای به اسم خانواده فرستاده میشود؟ چرا کتک میخورد؟ چرا بچه‌دار میشود؟ چرا حق طلاق و انتخاب ندارد! چرا حق فرار ندارد؟ چرا و چگونه از ترکیه تحت سلطه مسلمانان به راحتی روده میشود، و در یک نمایش شنیع و کثیف اعدام در میدان کسمایی شهر اهواز سلاخی میشود؟

پاسخ تمام چراها را کاربدستان پست فطرت و نگهبانان قصاب قوانین الهی به سادگی میدهند! توجه کنید:

حاجی حسین حاتمی، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی در واکنش به موج اعتراض به قوانین مقدس

اسلامی میگوید: "در مباحث خشونت علیه زنان خلاء قانونی نداریم" گفت: «این اتفاق بعضاً در جامعه می‌افتد و اتفاق جدیدی نیست." در قوانین جمهوری اسلامی درباره "قتل‌های ناموسی" هم "خلاء قانونی وجود ندارد"، نتیجه گرفت که "مشکلی از این بابت نداریم."

حاجی علی اصغر عنابستانی، یکی دیگر از اعضا کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی هم در پاسخ به سوالی درباره ضرورت بازنگری قوانین در زمینه کودک همسری گفت: "این قتل به کودک همسری ارتباطی نداشت و همه مسائل را نباید به هم ارتباط دهیم تمام تقصیرها را نمی‌توان به گردن نقص در قانون انداخت."

معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، پاسدار ناموس، حاجیه انسیه خزعلی افاضه میکند که "یکی چون شهید حججی (مامور گشت ارشاد و حافظ ناموس حاج آقاها که بخاطر تعرض روزمره به قتل رسید) بابت حفاظت از ناموس سر میدهد و دیگری بنام ناموس داعش‌وار جنایت میکند. و علی مطهری هم که از فعالین حجاب اجباری و ناموس اجباری است و خشمگین توییت میزند که:

"دو حادثه شرم‌آور برای ایران، یعنی بریدن سر همسر ۱۷ ساله و با آن دور افتخار در اهواز زدن و دیگر قتل مامور پلیس با قمه در شیراز، قوه قضاییه را در آزمون سختی قرار داده است، باید هر دو جانی و هر دو حیوان آدم‌نما حداکثر ظرف یک هفته در ملا عام به دار مجازات آویخته شوند."

و توضیح نمیدهد که خودش و اعوان و انصارش به جرم زن ستیزی و مدون کردن تمام این قوانین و فرهنگ کجا باید به خدمتشان رسید؟ مادر سجاد، قاتلی که همسر ۱۷ ساله‌اش را کشت و سر بریده او را در میدان کسای اهواز چرخاند، گفت پس از فرار همسرش از ایران اطرافیان پرسش، "چپ و راست غیرت و مردانگی او را تحریک می‌کردند" و وقتی همسرش به ایران بازگشت سر بریده او «را گرداند تا مثلاً به همه بگوید: من آدم بی‌غیرتی نیستم". و در انتها سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر (ساترا) در پی قتل فجیع مونا حیدری، زن ۱۷ ساله اهوازی توسط شوهرش، پخش عکس و فیلم مربوط به این جنایت را ممنوع اعلام کرد.

تمام این افاضات تاکنونی و بعدی هیچ نیست جز اعلام

رسمی بودن و قانونی بودن قتل همسر در دفاع از ناموس! همه با سربلندی اعتراف میکنند که اتفاقی نیفتاده از این چیزها در ممالک اسلام زده پیش میاید! قتل مونا (غزل) بیگناه تنها نمونه‌ای از اجرای قوانینی اسلامی ایست که بر جامعه حکم فرماست! مسبب تمام این جنایت دارودسته و باندهای مافیایی حاکم است، زن کشی امری عادی در طول حیات سیاه جمهوری اسلامی بر جامعه بوده و هست!

این حوادث تکرار خواهند شد، قربانیان دیگری در صف ایستاده‌اند و بازهم پتک و فاجعه‌ای که بر روح جان هرکس که بویی از انسانیت برده باشد فرود خواهد آمد. در آستانه ۸ مارس روز جهانی زن مبارزه روزمره برای رهایی زنان را تشدید کنیم متحد شویم مبارزه مان را سراسری کنیم! دادخواه قتل در اهواز را در تهران و سنجند و مشهد و گیلان و بندر عباس باشیم!

در ورنجمان را به قدرت اتحاد علیه قوانین قرون وسطایی تبدیل کنیم! خشمی که جز با زبرو رو کردن نظام حاکم خاموش نمیشود!

۸ فوریه ۲۰۲۲

## دادگاه مردمی آبان یک دستاورد مهم جنبش دادخواهی



### شیوا محبوبی

آبانماه آغاز کرد، از زمان اعلام شروع پروسه این دادگاه همکاری خود را با برگزارکنندگان دادگاه اعلام کرد. کمیته با اطلاع‌رسانی به مردم جهت مراجعه و شهادت در دادگاه، جلب افکار عمومی به اهمیت دادگاه آبان و پوشش تبلیغی آن اقدامات حمایتی خود را شروع کرد.

یکی از ویژگیهای مهم هر دو دور دادگاه در این بود که خانواده‌ها و جان بدربردگان آبان برای اولین بار در یک دادگاه مردمی در رابطه با عزیزان جانباخته خود و شکنجه‌ها و مصائبی که توسط رژیم بر آنها تحمیل شده بود صحبت کردند. این شاهدان در کمال شجاعت از داخل ایران از طریق اینترنت حضور داشته و تعدادی از خانواده‌ها بدون پوشاندن صورتشان شهادت دادند. چند نفر از شاهدان به صورت حضوری در دادگاه شهادت دادند. یکی دیگر از ویژگیها شهادت نیروهای انتظامی و امنیتی رژیم در دادگاه بود. نکته قابل توجه این است که شاهدان در حالی از داخل ایران شهادت میدادند که رژیمی که دست به سرکوب معترضین آبان زده است هنوز بر سر کار است. این امر بسیار

بسیار مهم است و تا حال در سایر دادگاههای مردمی کشورهای دیگر اتفاق نیفتاده است.

دور دوم این دادگاه در ماه بهمن ۱۴۰۰ در سه روز برگزار شد. این دادگاه برخلاف دور اول به به شکل علنی برگزار نشد اما بخش‌های زیادی از صحبت‌های شاهدان متعاقباً در رسانه‌ها پخش شد. به نظر من یکی از ویژگی‌های دور دوم این بود که شاهدان با اعتماد بنفس بیشتری شهادت داده و اکثر آنان گفتند که از طرف سایر خانواده‌ها در دادگاه شهادت می‌دهند و این خود انعکاس دادخواهی به عنوان یک امر جمعی و نشان‌دهنده همبستگی و عزم شکست‌ناپذیر اقبال مختلف جامعه برای دستیابی به عدالت است. یکی از شاهدان که همسرش کشته شده بود گفت " من نماینده تمام زنانی هستم که همسرانشان کشته شده است"، جوانی که حضوری شهادت داد و دوستش کشته شده بود گفت " من میدانم اگر او به جای من زنده بود در دادگاه شهادت میداد"، شاهد دیگری گفت " من مایلیم از طرف خانواده‌های آبان به دادگاه پیام بدهم" و یکی دیگر

از شاهدان اظهار داشت که از طرف خانواده‌ها در میوان صحبت می‌کند.

در دور دوم دادگاه نیز تعدادی از نیروهای انتظامی و امنیتی رژیم از جمله افسران ارشد سپاه نیز شهادت دادند و به نظر من در مقایسه با دور اول از ابعاد وسیع تر و وحشیانه تری از جنایت آبان گفتند. یکی از افسران ارشد سپاه پس از روز دوم دادگاه تماس گرفت و داوطلب شد شهادت بدهد. این شاهد (شاهد شماره ۶۰۰) به ابعاد وسیع تری از ماشین سرکوب رژیم پرداخت و به زندانهای مخفی و مخوف از جمله مرکز پنج هزار اشاره کرد و از آن به عنوان " ته دنیا" اسم برد و گفت " فقط اگر شانس داشته باشی از آن زندان بیرون میایی چون هر کاری که دلشان بخواهد بر سر زندانیان از جمله خودی‌ها که دستگیر میشوند می‌آورند". او از شخصی اسم برد به نام حسین طائب که مسئول این مرکز است و در سرکوب آبان تا به امروز رئیس سازمان اطلاعات سپاه پاسداران بوده است. لازم به ذکر است که اسامی ۱۶۰ نفر از سوی دادستانی دادگاه آبان به عنوان متهمان در سرکوب آبان به

هیئت قضات دادگاه ارائه داده شده است و حسین طائب نفر نهم در این لیست می‌باشد. این شاهد و چند شاهد دیگر از نیروی انتظامی و بسیج در عین حال به نارضایتی از نیروهای امنیتی و انتظامی از رژیم صحبت کردند. یکی از آنها به دلیل شلیک نکردن به مردم دستگیر شده بود. در دور اول و دوم بیش از ۱۲ نفر از نیروهای انتظامی و امنیتی برای شهادت مراجعه و اسنادی را در اختیار دادستانی دادگاه آبان گذاشتند.

در دور دوم و در طول سه روز دادگاه دهها نفر با دادگاه آبان جهت دادن شهادت تماس گرفتند. بنابر گفته برگزار کنندگان در دور دوم و یک روز پس از برگزاری دادگاه ۱۲۰ نفر دیگر برای دادن شهادت اعلام آمادگی کردند. این مراجعه شاهدان جدید تاثیر ما همچنین به دنبال دور دوم دادگاه شاهد عکس العمل رژیم به دادگاه شدیم. سعید خطیب زاده سخنگوی وزارت خارجه رژیم در سخنانش وحشت خود را از برگزاری دادگاه و عظمت صدای شاهدان نشان می‌دهد

دور اول دادگاه بین المللی مردمی آبان (دادگاه آبان) به صورت علنی و در ماه آبان ۱۴۰۰ برگزار شده و در چند شبکه ای تلویزیونی مخالف رژیم به صورت زنده پخش شد. در طول پنج روز دادگاه، تعداد زیادی با دادگاه آبان تماس گرفته و اعلام کردند که میخواهند شهادت بدهند. به دلیل تعداد مراجعه کنندگان هیئت قضات تصمیم گرفت که دور دوم دادگاه برگزار شود و جهت در نظر گرفتن شواهد جدید، اعلام رای دادگاه به بهار ۱۴۰۱ موکول شد. دور دوم دادگاه در بهمن ۱۴۰۰ برگزار شد. لازم به ذکر است که این دادگاه با ابتکار سه سازمان عدالت برای ایران، حقوق بشر ایران، همه با هم علیه اعدام سازمان داده شده و برگزار شد. این دادگاه بر اساس استانداردها و پروتکل‌های دادگاههای بین المللی با حضور یک هیات قضات شناخته شده بین المللی و هیئت دادستانی در دو دور برگزار شد.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ادامه کارزار صدای معترضین آبانماه که پس از سرکوب



که یا باید به صف مردم پیوندند و یا با سران و دستگاه سرکوب رژیم دفن شوند.

برگزاری دادگاه آبان و اسناد و رای دادگاه قدمهای موثر و مهمی در جنبش دادخواهی و در پروسه پیگرد و بایکوت جنایتکاران رژیم اسلامیست.

۱۰ فوریه ۲۰۲۲

این دولت‌ها با رژیم جنایتکار اسلامی مماشات کنند. کیفرخواست این شاهدان ادامه اعتراضات جامعه است و نشان می‌دهد که اعتراض و دادخواهی مستمر در جامعه نه تنها توسط رژیم شکسته نشده است بلکه باعث شده است بخش‌هایی از رژیم از دستگاه سرکوب جدا شوند. افراد داخل رژیم ابعاد بسیار وحشیانه سرکوب را که متوجه خود آنها هم شده و خواهد شد را میبینند و تصمیم میگیرند

خانواده‌ها و جان بدر بردگان را تهدید می‌کند، این شهادتها پیام محکمی به رژیم است که فریاد میزند: مردم نمی‌ترسند، " آبان ادامه دارد" و " توپ، تانک، فشفسه دیگر اثر ندارد". حضور و شجاعت این شاهدان در دادگاه آبان نشاندهنده یک جنبش عظیم و وسیع برای دادخواهی و سرنوشتی رژیم در ایران است و در عین حال پیامی رسا به دولت‌های غربی و سازمانهای وابسته به آنها که مردم اجازه نمیدهند

قدرت رژیم را در سرکوبهای بعدی تا حدی محدود میکند. در عین حال دادگاه آبان این امکان را فراهم کرد تا صدا و کیفرخواست خانواده‌ها و جان بدر بردگان آبانماه در سطح بین المللی شنیده شده و علیه آمرین و عاملین کشتار آبان ماه در یک دادگاه بین المللی اعلام جرم کنند. شهادت آنها از داخل ایران ادامه اعتراضات آبان است و به رژیم اعلام جنگ میدهد. در شرایطی که رژیم از هر طریق ممکن این

و می‌گوید دولت انگلیس نباید اجازه میداد دادگاه آبان برگزار شود. معاون دادستانی تهران در اسنادی محرمانه که اخیراً هک و افشا شده است وحشت رژیم را از برگزاری دادگاه‌های مردمی در اروپا ابراز کرده و خواهان مقابله با این دادگاهها میشود.

برگزاری دادگاه آبان بالاخص در شرایط کنونی ایران از جوانب مختلفی اهمیت دارد. به نظر من ابعاد و تاثیر این دادگاه



تقدیم به مونا (غزل) حیدر ۱۷ ساله که روز ۱۶ بهمن ۱۴۰۰ توسط همسرش به قتل رسید.  
 تقدیم به فاطمه برحی ۱۹ ساله که در خرداد ۱۳۹۹ در آبادک به دست همسرش به قتل رسید.  
 تقدیم به ریحانه عامر ۲۲ ساله که لو نیز در خرداد ۹۹ بدست پدرش قتل ناموسی شد.  
 تقدیم به روینا شرفی ۱۴ ساله که لو هم در خرداد ۹۹ توسط پدرش به قتل رسید.  
 و تقدیم به عاطفه رجبی دانش آموز ۱۶ ساله که در سال ۸۳ طناب دلا توسط حاجی رضایی رئیس  
 دلاکستر مهاجره کردنش آویخته شد. اتهامش رابطه جنسی با یک مرد و زنا محصنه بود.  
**و تقدیم به صدماز که دیگر که قتل ناموسی شده اند.**  
 اصغر کریمی



۸ مارس، روز جهانی زن  
 (۱۷ اسفند) مبارک باد.

زنده باد انقلاب زنانه

این پوستر را بر اساس نفر از زنانی که در  
 زندگی شما نقش مثبتی داشته اند بفرستید.

رساله‌های آیت‌الله‌ها و احادیث پیغمبر اسلام و آیه‌های قرآن و قوانین ضد زن حکومت و تبلیغات آخوندها و امام جمعه‌ها و در یک کلام حکومت اسلامی مسئول و مسبب و ریشه تک تک این قتل‌ها و همه خشونت‌های روزمره علیه دهها میلیون زن و دختر بچه‌های معصوم است. حکومت برای بقای خودش سالانه میلیاردها دلار برای تداوم سنت‌های ارتجاعی و اخلاقیات قرون وسطایی هزینه میکند، عده‌ای را شستشوی مغزی میدهد و آنها را به موجوداتی وحشی و خونخوار مثل خودش تبدیل میکند. قاتلان نیز خود از قربانیان حکومتند.

با گرامیداشت هرچه وسیعتر روز جهانی زن یاد مونا و موناها را گرامی بداریم و خود را و دوستانمان را برای روز جهانی زن، هشت مارس (۱۷ اسفند)، و به یاد دختر بچه‌ها و زنانی که قتل ناموسی شدند آماده کنیم. هشت مارس روز همه زنان و مردم خشمگین و منجز از اینهمه بیعدالتی است که پرچم برابری زن و مرد و لغو همه قوانین ضد زن را بلند میکنند و نمیخواهند شاهد قتلی دیگر و خشونت‌های دیگر علیه زنان باشند.

## از مدیای اجتماعی حزب

فیسبوک حزب: [www.facebook.com/wpiran](https://www.facebook.com/wpiran) اینستگرام: [www.instagram.com/wpi91](https://www.instagram.com/wpi91) تلگرام: [telegram.me/wpi\\_hkki](https://t.me/wpi_hkki) شماره اپ و تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

## انجمن قلم آمریکا و «مرکز حقوق بشر رائول والنبرگ» خواهان آزادی اعضای کانون نویسندگان شدند

کند و از دولت ایران بخواهد این زندانیان را بی‌درنگ آزاد کند و به آنان غرامت بپردازد. در اوایل این ماه، بکتاش آبتین، شاعر و فیلم‌ساز، که با اتهامات واهی در زندان بود، در حین گذراندن حکم شش سال زندان خود، در نتیجه‌ی بد رفتاری و بی‌توجهی مقامات زندان درگذشت.

انجمن قلم (پن) آمریکا و «مرکز حقوق بشر رائول والنبرگ» مصرانه از سازمان ملل و جامعه‌ی بین‌المللی می‌خواهند که به داد همکاران آبتین - که در شرایط وخیم بهداشتی به سر می‌برند - برسند تا به سرنوشت آبتین دچار نشوند.

انجمن قلم (پن) آمریکا و «مرکز حقوق بشر رائول والنبرگ» (RWCHR) از دولت ایران به بخشی از سازمان ملل، که مسئول رسیدگی به بازداشت‌های خودسرانه است، شکایت کرده و خواسته‌اند این دولت در مورد آزار و حبس اعضای کانون نویسندگان ایران - نهاد سرشناسی که نویسندگان مدافع آزادی بیان را در ایران نمایندگی می‌کند - پاسخگو باشد.

این شکایت از سازمان ملل می‌خواهد بازداشت ناعادلانه‌ی اعضای برجسته‌ی کانون نویسندگان ایران، بکتاش آبتین، رضا خندان (مهابادی)، کیوان باژن و آرش گنجی را به دلیل نقض قوانین داخلی ایران و قوانین بین‌المللی محکوم

شکایت انجمن قلم (پن) آمریکا و مرکز حقوق بشر رائول والنبرگ، (RWCHR) از دولت ایران

کانون نویسندگان ایران  
@kanoon\_novisندگان\_iran  
#kanoon\_novisندگان\_iran  
#iran\_novisندگان

## دست پیمانکاران از سر پرستاران کوتاه سخنرانی مینا احدی، مسئول نهاد اکس مسلم آلمان و از فعالین سرشناس حقوق زنان

تلویزیون آلمان در بخش کانال جوانان، فیلمی کاملاً مدافع حجاب نشان داده و از این طریق از روز جهانی حجاب حمایت کرده بود.

دولتی آلمان که در روز جهانی حجاب، از این سمبل توهین و تحقیر زنان حمایت کرده بودند، برگزار شد.

روز شنبه ۵ فوریه ۲۰۲۲ در مقابل کلیسای جامع شهر کلن (Kölner Dom) تجمع اعتراضی باشکوهی بر علیه افتتاح سیاسی رسانه‌های



پرستاران شرکتی خواهان حذف پیمانکاران و انعقاد قرارداد مستقیم با نیروی انسانی شاغل در وزارت بهداشت شدند. این نیروها با بیان اینکه در روزهای اخیر چندبار اعتراض کردیم و خواستار حذف هرچه سریعتر پیمانکاران و تبدیل وضعیت شدیم، می‌گویند: نمایندگان مجلس باید زودتر طرح ساماندهی استخدام کارکنان دولت را به تصویب برسانند و وزارت بهداشت را نیز در شمول این طرح بگنجانند.

دست پیمانکاران از سر پرستاران و کلیه کارگران باید کوتاه شود. این خواستی سراسری است و اتحادی سراسری لازم دارد.

وعده‌های تو خالی و مفت!

پرستاران در واقع باید با زالوهای پیمانکار، مجلسیان هم پیمان با آنها، دولت کارفرماها، وزارت مفتخورها و سایر ارگان‌های ضد کارگری بجنگند تا حق شان را به کرسی بنشانند.

ادامه از مدیای اجتماعی حزب از صفحه ۱۴

## آخرین وضعیت منیره عربشاهی و یاسمن آریانی در زندان کجویی کرج



#منیره\_عربشاهی، فعال #نه\_به\_حجاب\_اجباری محبوس در زندان کجویی کرج علیرغم حال نامناسب جسمی و مواجهه با مشکلات متعدد پزشکی اخیراً از اعزام به مرخصی محروم شده است. منیره عربشاهی نیازمند به انجام عمل جراحی دیسک کمر است و مدتی قبل نیز به دلیل مشکلات کلیوی به بیمارستان اعزام شده بود.

انقلاب زنانه از همه انسانهای آزادیخواه به ویژه زنان معترض میخواید صدای بیصدایان باشیم. صدایی معترضینی که پرچم نه به حجاب اجباری را بالا بردند اما حالا در حبس به سر میبرند.

همچنین #یاسمن\_آریانی از معترضین به حجاب اجباری و دختر منیره عربشاهی نیز از اعزام به مرخصی محروم شده است.

از صفحه انقلاب زنانه

به گفته یک منبع مطلع این

## روز ششم فوریه را روزی جهانی برای مبارزه با پدیده انسان ستیز #ختنه\_زنان و ناقص سازی اندام جنسی زنان نامیده اند



ختنه زنان یک خشونت آشکار و سازمانیافته در جهت سلب لذت و میل جنسی از زنان و تبدیل کردن آنها به برده جنسی است

روز ششم فوریه را روزی جهانی برای مبارزه با پدیده انسان ستیز #ختنه\_زنان و ناقص سازی اندام جنسی زنان نامیده اند. خشونت آشکار علیه زنان و نقض پایه ای ترین حقوق فردی و اجتماعی آنان اشکال متفاوتی دارد و صد البته مذهب و دستگاه های سیاسی بنا شده بر پایه مذهب، همواره نقش به سزایی در این مساله ایفا می کند. اما از میان همه این مناسبات زن ستیزی که همواره به قدرت مذاهب و حکومت ها بر زنان تحمیل می کنند، ختنه یا ناقص سازی اندام جنسی زنان بدون شک یکی از بی رحمانه ترین، وحشیانه ترین و ضدانسانی ترین برای محروم کردن زنان از لذت جنسی است. سالانه حدوداً یک میلیون نفر به جمعیت

زنانی افزوده می شود که به این طریق اندام و روانشان مورد تعرض قرار می گیرد که متأسفانه تعداد مجموع چنین زنانی در سراسر دنیا به بیش از ۱۳۰ میلیون زن در جهان می رسد.

در ایران هم متأسفانه در حداقل چهار استان از جمله هرمزگان، آذربایجان غربی، کرمانشاه و کردستان چنین عمل فجیعی بر روی زنان صورت می پذیرد. مساله ای که سال به سال هم علیرغم توجه ویژه عموم جامعه به مبارزه با این پدیده نفرت انگیز اجتماعی، ظاهراً بدون بهبود چندانی به بقای خود و قربانی گرفتن در روستاهای مختلف کشور ادامه می دهد.

انقلاب زنانه معتد است اگرچه شاید منشا پیدایش این پدیده شنیع #ختنه\_زنان بسیار قدیمی تر از آن باشد که بتوان به جمهوری اسلامی نسبت داد، اما به طور قطع تداوم و بازتولید آن مشخصاً محصول آن مناسبات سیاسی اجتماعی

باشد و بابه زیرکشیدن این حکومت بساط کل مناسبت ضدزن موجود در جامعه را از ریشه ساقط کنیم. انقلاب زنانه ۶ فوریه

باید نوک پیکان حمله ی خود را به سمت جمهوری اسلامی بگیریم که مسبب و عامل به وجود آمدن جنایات این چینی بر علیه زنان می

اسلامی و عقب مانده ی زن ستیزی است که جمهوری اسلامی بر زنان ایران تحمیل کرده است. برای پایان بخشیدن به چنین جنایاتی

## اطلاعیه های حزب



برابری طلب و یک رکن مهم جنبش سرنگونی است. هشت مارس روز #اعتراضات\_سراسری\_معلمان اعتراض همه مردم است.

- ۸ مارس روز اعتراض سراسری به تمام مظاهر ستم کشی و خشونت سازمانیافته علیه زن، از جمله اعتراض علیه قوانین ارتجاعی اسلامی و سیاستهای حکومت در حمایت از سنن عقب مانده ضد زن است،

**کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری**

هم اکنون در زندانند. - ۸ مارس روز کیفرخواست علیه حکومت آپارتاید جنسی، روز دادخواهی علیه بیش از ۴ دهه بیحقوقی، اذیت و آزار جسمی و روانی، اسیدپاشی، تیغ کشی، تجاوز جنسی و جنایتهای سازماندهی شده حکومت علیه زنان و روز دفاع از شان و جایگاه و حقوق انسانی زنان است.

جنبش برای رهایی زن جنبشی است در پیوند با اعتراضات کل جامعه مدرن و پیشرو و

مارس روز گرامیداشت بیش از ۴۰ سال ایستادگی شجاعانه جنبش برای رهایی زن در مقابل یک حکومت ضد زن و ارج نهادن به نقش درخشان زنان در جلوی صف اعتراضات در سطح جامعه است.

- ۸ مارس روز ارج گذاشتن به زنانی است که بخاطر سر فرود نیاوردن در برابر بساط آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی و بخاطر بر زمین کوبیدن حجاب این سمبل بردگی حکومت اسلامی به زندان و شلاق محکوم شدند و

حاکم کرده اند. ۸ مارس روز مونا حیدری ها و روز اعتراض ما در سطح سراسری علیه بساط آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی و جنایات هر روزه آن علیه زنان و بردگی حاکم است. این روز را در خشم اعتراض به قتل مونا حیدری و موناها گرامی بداریم.

- زنان در ایران در صف مقدم اعتراض علیه وضع ضد انسانی موجود، و علیه قوانین ارتجاعی اسلامی ضد زن و سنن و فرهنگ اسلامی در چهل سال گذشته بوده اند. ۸

- ۸ مارس روز جهانی زن در شرایطی گرامی میداریم که قتل ناموسی مونا حیدری یک لرزه و تکان مرگ در سرتاسر جامعه ایجاد کرد. گناه مونا جوان این بود که در یک شرایط سنت زده، اسلام زده، و ضد زن پا به زندگی گذاشت. مونا قربانی سیستم و سنت و مذهب حاکم در این کشور شد. تجاوز جنسی، کودک همسری، بی حقوقی زن و بی ارزش شدن جان زنان جزئی از این سیستم کثیف و عهد حجری و عقب مانده است که بر این جامعه



ادامه اطلاعاتی‌های حزب از صفحه ۱۶

## هشت مارس را سراسری کنیم

۸ - مارس روز جهانی زن، نزدیک است. ۸ مارس را با ابتکارات مختلف میتوان به یک روز اعتراض سراسری علیه رژیم آپارتاید جنسی تبدیل کرد. از جمله:

۸ - مارس را به روز اعتراض سراسری علیه بساط آپارتاید جنسی حاکم و علیه تمام مظاهر بردگی زن تبدیل کنیم.

-- مونا حیدری قربانی قتل‌های ناموسی، قربانی سیستم و سنت و مذهب حاکم در ایران شد. ۸ مارس را به روز اعتراض علیه کل سیستم سرکوب سیستماتیک آپارتاید جنسی حاکم در جامعه تبدیل کنیم.

۸ - مارس را در جمع‌های خانوادگی و خویشاوندی و دوستانه برگزار کنیم.

پخش تراکت و پوستر های اعتراضی به مناسبت هشت مارس در اماکن عمومی و نصب آنها در تابلو اعلانات دانشگاهها، مراکز فرهنگی و هنری، باشگاههای ورزشی، مراکز خرید، کتابخانه‌ها و کتابفروشی‌ها، شکلی از اعتراض در هشت مارس است.

-- باکارزارهای مبارزاتی مان علیه مظاهر آشکار ستمکشی زن در جامعه و علیه سیستم سرکوب سیستماتیزه شده آپارتاید جنسی حاکم به استقبال ۸ مارس برویم و این روز را سراسری گرامی بداریم.

۸ - مارس را به روز اعتراض و تجمعات اعتراضی علیه قتل ناموسی مونا حیدری و موناها تبدیل کنیم. به روز اعتراض علیه کودک همسری و تجاوز جنسی به کودک در بستر زناشویی و علیه قتل‌های ناموسی تبدیل کنیم.

۸ - مارس را در محل زندگی و با بر پا کردن

۸ - به مناسبت ۸ مارس مدیای اجتماعی را به صحنه اعتراض و به مرکز داغ بحثها و گفت‌وگوهای روز جهانی زن تبدیل کنیم.

۸ - به مناسبت ۸ مارس



برگزاری کنفرانس و سخنرانی و پخش پوسترهای تبلیغی به مناسبت ۸ مارس در شبکه‌های اجتماعی/ فیسبوک، توئیتر، تلگرام و اینستاگرام ۸ مارس را گرامی بداریم.

برپایی نمایشگاه عمومی عکس و فیلم از "مبارزات بیش از ۴۰ سال زنان برای رهایی" و مبارزات زنان در سراسر جهان برای دستیابی به حقوقشان در دانشگاهها، در گالری‌ها و مکانهای مناسب اقدامی مناسب به مناسبت هشت مارس است.

تاکید بر آزادی فوری و بی قید و شرط زنان مبارز زندانی از جمله سپیده قلیان، گلرخ ایرایی و... همه زندانیان سیاسی و مختومه اعلام کردن پرونده‌های امنیتی آنها، شعار نویسی به مناسبت هشت مارس و به راه انداختن طوفان توئیتری با هشتگ #نه\_به\_آپارتاید\_جنسی

انتشار بیانیه‌های جمعی به مناسبت ۸ مارس از سوی کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و بخش‌های مختلف جامعه با محوریت زنان و انقلاب و بیش از ۴۰ سال مبارزه برای رهایی زن،

ت تهیه عکس و فیلم از فعالیت‌ها فراموش نشود

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

## شرم کنید! در محکومیت له‌پنیزم و زن ستیزی برخی از سلطنت طلبان

موظفیم در برابر این نوع لجن پراکنی‌ها بایستیم و اجازه ندهیم فضای بحث و تبادل نظر در میان نیروهای مختلف اپوزیسیون مسموم شود. چنین فضائی در مدیای اجتماعی عملاً به نفع لشکر سایبری جمهوری اسلامی تمام می‌شود.

حزب کمونیست کارگری ایران این رفتار سخیف و زن ستیزانه را بشدت محکوم کرده و خواهان محکوم کردن این نوع اهانت‌های وقیحانه از طرف همه آزادیخواهان است!

حزب کمونیست کارگری ایران ۷ فوریه ۲۰۲۲، ۱۸ بهمن ۱۴۰۰

را ترک کند! واقعاً شرم آور است.

جناب پاشایی مانند بسیاری از مردسالاران، حملات سکسیستی به زنان را با بحث و نقد سیاسی مترادف قرار داده و زهر زن ستیزانه این نوع حملات را نمی‌بینند. او بجای محکوم کردن این حملات لمپنی آنرا توجیه می‌کند و این توهین‌ها را امری عادی جلوه می‌دهد.

فرهنگ شعبان بی‌مخ‌ها نباید در میان صفوف اپوزیسیون جایی داشته باشد. همه ما نیروهای اپوزیسیون، با هر دیدگاه و خط سیاسی،

بحث و تبادل نظر سیاسی در آن جلسه شرکت کرده بودند. مینا احدی خواهان معذرتخواهی توهین‌کننده شد و به عنوان اعتراض اتاق را ترک کرد. شعله پاکروان و شرکت‌کننده دیگری به اسم نیما چالشگر نیز در اعتراض به این امر اتاق را ترک کردند. اما فواد پاشایی رهبر حزب مشروطه که در آن اتاق بود، بجای اعتراض به هم نظر خود خطاب به مینا احدی گفت "شلوغ نکنید، من صد بار بدتر از این حرف‌ها را شنیده‌ام وقتی فردی پابلیک کار می‌کند باید توقع این نوع حملات را داشته باشد و درست نیست بلافاصله آدم قهر کند و اتاق

در پاسخ به این صحبت‌های مینا احدی فردی به نام بهروز آریابد، با وقاحت و بی‌شرمی گفت که وقتی مرز برای شما مهم نیست، پس اتاق خواب شما نباید مرز داشته باشد! او در دور دوم هم در دفاع از این حرف‌ها گفت، من توهین نکردم فقط می‌گویم اگر مرز برای شما مهم نیست پس هر کس می‌تواند وارد اتاق خواب شما بشود...!

این سکسیسم و لومپنیسم و زن ستیزی عریان و مستهجن را نباید تحمل کرد. این اظهارات شنیع‌ترین اهانت نه تنها به مینا احدی بلکه به همه کسانی است که برای

روز ۴ فوریه ۲۰۲۲ در یک اتاق کلاب هائوس با عنوان "کارزارهای موفق دادخواهی، مجالی برای فرصت طلبی یا همکاری" که در مورد اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در ایران و حرکت اعتراضی از اوین تا وین بود، وقتی تعدادی از طرفداران سلطنت و مشروطه خواهان، از تقدس پرچم و خاک و خط قرمز بودن تمامیت ارضی حرف زدند، مینا احدی در پاسخ به آنها گفت برای ما انسان مقدس است: حقوق و حرمت و معیشت و منزلت انسان، و نه خاک و پرچم و مرز و خط قرمز تمامیت ارضی.

## تاریخ تجمعات سراسری بعدی معلمان: روزهای ۳۰ بهمن و ۳ اسفند روزهای تعیین شده برای مرحله دوم اعتراضات معلمان تغییر کرد

از اعتراضات معلمان پشتیبانی کرده و ضمن محکوم کردن دستگیری و بازداشت معلمان معترض بر آزادی فوری آنها و همه زندانیان سیاسی تاکید کرده بودند.

حزب کمونیست کارگری حمایت قاطع خود را از مبارزات معلمان اعلام داشته و تلاش می‌کند صدای اعتراض آنان در سطح جهان باشد. معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند و تمامی پرونده‌های تشکیل شده برای آنها و برای همه فعالین سیاسی باید مختومه اعلام گردد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ بهمن ۱۴۰۰، ۹ فوریه ۲۰۲۲

را از فراخوان‌ها اعتراضی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان اعلام کرده اند. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، صدای مستقل کارگران فولاد اهواز و کارگران نیشکر هفت تپه طی پیامهایی همبستگی خود را با مبارزات و خواستههای معلمان اعلام کرده و بر آزادی فوری معلمان زندانی تاکید نموده اند. این حمایت‌ها را باید گسترش داد.

همچنین اعتراضات گسترده معلمان در سطح بین‌المللی بازتاب وسیعی داشته است. از جمله شبکه سراسری نمایندگان محل کار در انگلیس، شورای اتحادیه‌های کارگری در ونکوور، اتحادیه کارگران خدمات عمومی و دولتی در بریتیش کلمبیای کانادا، شبکه اتحادیه‌های کارگری بین‌المللی همبستگی و مبارزه، فدراسیون معلمان مدارس متوسطه‌ی انتاریو (کانادا) و اتحادیه بین‌المللی معلمان

رسیدگی به حقوق نیروهای خدماتی مدارس، پایان دادن به غارت صندوق ذخیره فرهنگیان، امنیت شغلی نیروهای خرید خدماتی و قراردادی، و همچنین آزادی همه معلمان در بند. هم اکنون این معلمان در زندانند: اسماعیل عبدی، هاشم خواستار، محمد حسین سپهری، زینب همرنگ، معصومه عسکری، عالیله اقدام دوست، محمد ارکیان، حسین رمضان پور، محمدرضا رمضان زاده، یعقوب یزدانی، محمدتقی فلاحی، شعبان محمدی، و مریم کبیری. برای جعفر ابراهیمی نیز ۴ سال و ۶ ماه حکم زندان صادر شده است.

اعتراضات معلمان تا همینجا با حمایت‌های وسیعی از بخش‌های مختلف جامعه روبرو شده و توجه کل جامعه را به خود جلب کرده و انعکاسی جهانی داشته است. از جمله تشکلهای مختلف کارگری و بازنشستگان حمایت خود

فرهنگیان ایستاده‌ایم. وعده‌های پوشالی در عزم و اراده ما خللی ایجاد نخواهد کرد و تا مطالبات بازنشستگان و شاغلان محقق نگردد، ضمن توجه به سایر اشکال پیگیری مطالبات، ما به اعتراضات خود ادامه می‌دهیم". بدین ترتیب معلمان بر ادامه روند تجمعات در اسفند ماه و سال آینده به شیوه‌های جدی‌تر و گوناگون و برای پیگیری خواستههای خود تاکید می‌کنند.

رئوس خواستههای برشمرده معلمان در قطعنامه‌های اعتراضی قبلی‌شان از جمله عبارتند از: اجرای قانون همسان‌سازی بازنشستگان مطابق قانون خدمات کشور در سال ۱۴۰۰، تصویب اجرای کامل رتبه‌بندی و اختصاص بودجه لازم برای آن در سال آینده بر اساس حداقل هشتاد درصد حقوق اعضای هیات علمی دانشگاه، توسعه مدارس استاندارد و آموزش رایگان و با کیفیت،

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان برای روزهای ۳۰ ام بهمن و ۳ اسفند معلمان را به برگزاری تجمعات بزرگ خود در سطح سراسری فراخوانده است. بنا بر فراخوان قبلی مرحله دوم اعتراضات گسترده معلمان قرار بود در روزهای ۲۳ تا ۲۷ بهمن انجام بگیرد. اما شورای هماهنگی بنا بر پیشنهاد معلمان از شهرهای مختلف و تاکید آنها بر ادامه اعتراضات، فراخوان قبلی را لغو کرد و دو روز ۳۰ بهمن و ۳ اسفند به عنوان روزهای تجمعات بزرگ و سراسری معلمان جایگزین روزهای اعلام شده قبلی گردید.

پوستر اطلاع‌رسانی این فراخوان عکس‌هایی از معلمان زندانی است و بر خواست آزادی زندانیان دربند تاکید شده است. در بخشی از این فراخوان چنین آمده است: "همانگونه که می‌دانید هیچ‌یک از مطالبات ما تاکنون محقق نشده‌است و ما بر پای عهد خود با

ادامه اطلاعاتی‌های حزب از صفحه ۱۸

## قاتل مونا حیدری حکومت اسلامی است! برای پایان دادن به چنین جنایاتی باید به حیات حکومت اسلامی پایان داد!

این شنبه شهر اهواز شاهد قتلی دهشتناکی بود که نه تنها اهواز که کل کشور را در بهت و در خشم فرو برد. مردی قمه بدست به نام سجاد، سر از تن جدا شده زن نوجوانی به نام مونا را که در کودکی به عقدش در آورده بودند، در میدان شهر به نمایش گذاشت تا "ناموس و غیرت اسلامی" را پاس دارد!

مونا را در ۱۲ سالگی بر اساس شریعت اسلامی "کودک همسر" پسرعمویش میکنند؛ در ۱۴ سالگی "کودک مادر" میشود؛ و در ۱۷ سالگی برای رهایی از توهین و تحقیر و آزار و تجاوز جنسی توسط مردی که بزور همسرش کرده اند به ترکیه فرار میکند. مونا بعد از اینکه توسط پدر و عمویش با دوز و کلک به ایران برگردانده میشود به طرز فجیعی "قتل ناموسی" میشود و قاتل سر این دختر نوجوان را در شهر میچرخاند!

این اتفاق هولناک یک خبر از دوران توحش نیست. خبری از قرون وسطی نیست. همین امروز در قرن بیست و یک جلوی چشمان مات و میهوت و وحشت زده مردم در کشوری تحت سلطه نظام اسلامی اتفاق افتاده است. مونا حیدری اولین قربانی توحشی به نام "قتل ناموسی" نیست و تا جمهوری اسلامی هست آخرین قربانی هم نخواهد بود.

اما قاتل این دختر نوجوان کیست و زمینه این قتل و این نمایش هولناک در خیابانهای شهر چیست؟ این یک "جنون ناموس پرستانه" است؟ قتلی با انگیزه "ناموس پرستی عشیرتی" است؟ یک مساله فرهنگی است؟ چنین تبیین‌هایی بیش از آنکه حقیقت را منعکس کند آن را پنهان میکند.

حقیقت این است: صحنه اصلی این جنایت هولناک



@hadi\_heidari

## زنده باد یاد مونا (غزل) حیدری

## قتل ناموسی فجیع ترین جنایت جمهوری اسلامی است

ناموسی "به خود گرفته است، یکی از خونین‌ترین جلوه‌های توحش در نظام اسلامی است که باید به پرونده سنگین جنایت علیه بشریت این حکومت اضافه شود. حکومت اسلامی حتی اگر هیچ جنایتی هم مرتکب نمی‌شد، فقط به خاطر همین یک قلم توحش باید سرنگون شود و سرانش دستگیر و محاکمه شوند!

دور نیست روزی که عمامه‌های بیشتری زیر پای زنان له شود. دور نیست روزی که انقلابی بزرگ عمارت اسلامی را از بیخ و بن ویران کند؛ انقلابی که رهایی زنان جلوه پرشکوهش خواهد بود؛ انقلابی که زنان در راس آن خواهند درخشید.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۹ بهمن ۱۴۰۰، ۸ فوریه ۲۰۲۲

قاتل مونا حکومتی است که نماینده مجلس اسلامی در قبال این قتل با این درجه از توحش، قتلی که قلب هر انسانی را بدرد می‌آورد، با وقاحت و خونسردی تمام می‌گوید "این اتفاقات برخی اوقات در جامعه می‌افتد."

جنایت در اهواز تا همینجا خشم و انزجار از حکومت اسلامی و آیت‌الله‌ها و اسلام و احادیث و آیه‌ها و مقدسات ضد بشریش را بیش از پیش گسترش داده است.

باید در سراسر کشور علیه این قتل و این توحش اعتراض کرد. باید یاد مونا و موناها را در سراسر ایران گرامی داشت. باید سراسر کشور به اعتراض یکپارچه مردم خشمگین از این جنایت تبدیل شود!

جنایتی که عنوان "قتلهای

را دامن زده است. حکومتی که اسیدپاسی به صورت زنان سازمان می‌دهد و زیر سایه شومش، اسیدپاشان آزاد می‌چرخند و معترضین به این توحش زندانی میشوند!

قاتل مونا حکومتی است که در رابطه با شصت "قتل ناموسی" که در دو سال گذشته در همین شهر محل وقوع جنایت رخ داده است هیچ قاتلی را تعقیب و مجازات نکرده است.

قاتل مونا حکومتی است که در پناه آن پدری قاتل قبلا از طریق مراجعه به حقوقدان اسلامی مطمئن میشود "جنایت" اش از نظر اسلام و قانون مجازات اسلامی مشروع است و آنگاه با داس مرگ به سراغ دخترش رومینا اشرفی می‌رود و سرش را از تن جدا میکند!

نظام اسلامی است و قاتلین اصلی هم سران این نظام هستند.

قاتل مونا حکومتی است که بنیانگذارش رساله علیه زن نوشته است. حکومتی که در آن مبنای قوانین شریعت اسلامی است؛ زن برده جنسی و "ناموس" مرد است؛ ازدواج یا در واقع تجاوز به دختر بچه‌ها به قانون مقدس تبدیل شده است؛ آیت‌الله‌ها شبانه روز خشونت علیه زن را در مساجد و رسانه‌های رسمی تبلیغ میکنند و بابت آن پول میگیرند و زنی که به او تجاوز میشود توسط سیستم قضایی مجرم شناخته میشود.

قاتل مونا حکومتی است که در ملاء عام و پیش چشمان مردم اعدام میکند، دست میبرد، شلاق میزند و ۴۳ سال خشونت و زن ستیزی